

فرهنگ‌یگان


ابوالقاسم رحمانی
دبیرگروه‌جامعه

هر طرف رسانه‌ها را که نگاه می‌کنیم، اخبار حول مسائل اقتصادی و اجتماعی ناشی از شیوع کرونا به چشم می‌خورد. البته این شرایط بغرنج خصوصا در ایران خیلی مربوط به کرونا نبوده و نیست، اما شیوع این بیماری و اثرگذاری آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی وضعیت را بدتر و غیرقابل‌تحمل‌تر از گذشته می‌کند. بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی رونق گذشته خود را از دست داده و خیلی‌های دیگر همان میزان اندک تولید گذشته را هم تعطیل کرده‌اند. کارگران زیادی کار خود را از دست داده و حتی اصناف و مشاغل خدماتی نیز از رونق افتاده‌اند. البته این مساله صرفا داخلی نیست و تمام دنیا با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند و سایه شوم شیوع کرونا بر اقتصاد تمام دنیا افتاده، اما ایران به‌خاطر شرایط سخت و بدی که همواره به‌دلایل مختلف داشته، بیش از سایر کشورها با آن دست‌به‌گریبان و به‌فولی سرشاخ شده است. یکی دو روز پیش یکی از رسانه‌ها در خبری اعلام کرد که خط فقر برای یک خانواده چهارنفره در اردیبهشت‌ماه سال ۹۹ حدود ۹ میلیون تومان است، درحالی‌که این رقم در مدت مشابه یعنی در اردیبهشت سال ۹۸ چیزی حدود هشت میلیون تومان بود. این اعلام در کنار وضعیت بد اقتصادی موجود و ازکارافتادگی تعداد زیادی از کارگران و تولیدکنندگان همچنین بعد از ماجرای پرغصه تعیین دستمزد کارگران باعث شد موجی از نگرانی‌ها نسبت به آینده طبقه آسیب‌پذیر جامعه در چنین شرایطی ایجاد شود و احتمالا شاهد افزایش جمعیت زیر خط فقر در کشور باشیم. ماجرابی که آسیب‌شناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و… نسبت به آن هشدار داده‌اند.

نولیبرالیسم همیشه در شرایط بحران فشار را به طبقات پایین منتقل می‌کند

پیرامون همین ماجرا و مساله اثرگذاری خط فقر ۹ میلیون تومان بر زندگی مردم خصوصا اقشار آسیب‌پذیر و کمتر برخوردار جامعه با سیدمجید حسینی عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران گفت‌وگو کردیم و او در این رابطه با اشاره به نقش سیاست‌های نولیبرالی در ایجاد وضع موجود به «فرهختگان» گفت: «نولیبرالیسم در شرایط بحران همیشه بحران‌های سیستم را به طبقات پایین منتقل می‌کند. این مساله یکی از خصلت‌های نولیبرالیسم است. یعنی لحظه‌ای که ساختار دولت لیبرال دچار کسری بودجه می‌شود یا مسائل مالیاتی ویا مسائل بانکی پیدا می‌کند، این فشاری که داخل سیستم است به‌صورت مستقیم به طبقات پایین منتقل می‌شود. این در همه جوامع نولیبرالیسم است. پس ایجاد چنین شرایطی در دولت لیبرالی دور از ذهن و غیرممکن نیست.»

ما با این وضع خط فقر یک سیاره زاغه‌نشین ساخته‌ایم

حسینی در ادامه به وضعیت پیش‌آمده بعد از شیوع کرونا اشاره کرد و گفت: «کرونا یکی از بحران‌هایی است که دولت لیبرال گرفتار آن شده و خیلی‌به‌بحران عمیقی است ولی برای حل آن از طریق بورس یا از طریق فشار به طبقات پایین همانند کم کردن دستمزد کارگر، بحران را منتقل می‌کند. حاصلش می‌شود اتفاقی که الان

جامعه

درباره لزوم بازنگری در سیستم توزیع منابع

فاصله اجتماعی واقعی



در کشور رخ داده؛ اینکه در دو دهک بالای درآمدی و اقتصادی ۱۷ میلیون نفر آدم داریم و براساس آنچه به‌عنوان خط فقر اعلام می‌کنند حدود ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر داریم. بدین‌صورت یک عدد بسیار بزرگ زیر خط فقر ایجاد می‌شود؛ یعنی در یک جمعیت ۸۰ میلیونی ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر هستند پس ما یک سیاره زاغه‌نشین هستیم. تبدیل به سیاره زاغه شده‌ایم. یک جهان زاغه‌نشین ایجاد کرده‌ایم، درصورتی‌که ۱۷ میلیون نفر در این جهان زاغه‌نشین در بهترین وضعیت زندگی می‌کنند. دلیلی که وضع این ۱۷ میلیون این میزان خوب است و ۴۰ میلیون زیر خط فقر هستند و وضع‌شان بد است.»

آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی و یارانه‌زدایی قواعد بازی اقتصاد لیبرالی است

این استاد دانشگاه در ادامه و در تشریح این مساله که چرا دولت‌های لیبرالی چنین وضعی را ایجاد کرده‌اند، افزود: «قواعد این بازی به‌وجودآمده قواعد بازی سیاسی-اقتصادی است که دولت لیبرال می‌گذارد. این قواعد یکی آزادسازی است همانند آزادسازی قیمت بنزین! یکی خصوصی‌سازی است. شاهد بودید که فرآیندهای خصوصی‌سازی از شستا تا بانک‌ها در این دولت چطور اتفاق افتاد. یکی دیگر از این قواعد هم یارانه‌زدایی است. هر جایی که رگولیشن یارانه‌زدایی عمل می‌کند، آن نقطه‌ای است که ما خواهیم دید طبقات پایین ضرر می‌کنند. هر سه اینها را دولت لیبرال با شعار طبقات پایین انجام می‌دهد. یعنی اینها می‌گویند یارانه‌زدایی می‌کنیم که به طبقات بالا یارانه نرسد. مگر چقدر طبقه بالا دارد که یارانه به آنها می‌رسد؟ همه را به طبقه پایین تبدیل کردید! ۱۷ میلیون نفر در ۸۰ میلیون عددی نیست که می‌خواهید به پنهان‌آن یارانه‌زدایی کنید.»

چهارشنبه ۲۴ دیبهبشت ۱۳۹۹ شماره ۲۳۸


صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی- **مدیرمسئول:** محمدامین ایمانجانی- **سردبیر:** محمود فروغی

دفتر مدیرمسئول: ۱۶-۶۶۳۴۸۰-تحریریه: ۰۱۸۲-۰۱۸۰-۶۶۷۶۰-فکس: ۰۱۰۶۶۷۶۰۲۷-۶۶۷۲۶۰

روابط عمومی: ۰۴۹۹-۶۶۷۶۰-سازمان آگهی‌ها: ۰۴۶۱۸-۶۶۳۴۸۰

چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاداسلامی- **توزیع:** فرهنگستان: ۰۱۱-۱۲-۶۶۳۴۸۰

نشانی: خیابان حافظ، پلین‌تر از جمهوری، روی‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهنگستان، طبقه‌سوم

لحظه دستمزد طبقات برنده با رگولیشن‌های دولتی و تصمیمات سیستماتیک افزایش می‌یابد و طبقه بازنده دائما با کاهش دستمزد و درآمد روبه‌رو است و این ضدتولید است. در تمام سال‌هایی که در اروپا سیاست‌های دولت رفاهی به‌خصوص در اروپای غربی دولت‌های سوسیال‌دموکرات سیاست‌هایی به نفع طبقه کارگر اجرا کردند، جهش تولید آنها زیاد بود، یعنی سال‌های کامروایی تولیدی در اروپای غربی سال‌هایی است که حقوق کارگر را افزایش دادند. جمع‌بندی من این است که مجموعه این مسائل یک ساختار قواعد یا قواعد بازی با رگولیشن‌هایی است که دولت لیبرال اعمال می‌کند تا بحران‌های خود را به طبقه پایین منتقل کند، نه به طبقه بالا ولی حاصل آن فروپاشیدن تولید، افزایش نابرابری و درنهایت تبعیض ساختاری است.»

ما برای عبور از وضعیت بحرانی باید اسطوره پول نداریم را خرد و به نظام توزیع منابع توجه کنیم

بعد از گفت‌وگو با سیدمجید حسینی، با امیر خراسانی جامعه‌شناس هم گفت‌وگویی داشتیم. خراسانی با اشاره به این مساله که ارتباط بین خط فقر، فلاکت طبقه آسیب‌پذیر، شرایط سخت ایجادشده بر اثر کرونا، تعیین حداقل دستمزد کارگران و… بر کسی پوشیده نیست و تحلیل‌های فراوانی دراین‌باره وجود دارد به «فرهختگان» گفت: «ارتباط بین مولفه‌های مختلف این ماجرای تعیین خط فقر یعنی ارتباط بین این مساله با حقوق کارگران و وضعیت طبقه کم‌برخوردار مساله روشن و همه فهمی است و در ارتباط با آن سخن بسیار گفته شده و در آینده هم از نسبت بین اینها گفته خواهد شد. من اما می‌خواهم درباره یک مساله تذکر بدهم و آن را برجسته کنم. نکته اینجاست که کشور به‌طرز جعبیی درحال گرفتار شدن در سیاست‌های توزیع منابع یک‌سویه است و این بی‌نهایت خطرناک خواهد بود. حالا حالاها از این اعداد و ارقام مربوط به خط فقر و تعداد افراد زیرخط فقر و… خواهیم شنید، منتها این یک‌سوگی توزیع منابع یک اسطوره اصلی دارد، اسطوره‌ای که مدام تکرار می‌شود و اینکه دائم می‌گویند پول نداریم. می‌گویند کشور تحریم است، کشور وضع مناسبی ندارد، درگیر کرونا هستیم و… و پول نداریم. این یک اسطوره بسیار بزرگ است، درصورتی که یک اقتصادسنجی بسیار ساده، نه خیلی دقیق نشان می‌دهد که پول هست، به‌حد کفایت هم هست، فقط این پول و سرمایه درست توزیع نمی‌شود. ما هر مصیبتی می‌کشیم از همین نظام توزیع است، درنتیجه این اسطوره پول نداریم که مدام می‌خواهند به خورد ملت بدهند، اسطوره‌ای است که سراسر دروغ و غلط بوده و آینده کشور را هدف قرار داده است. به‌ویژه برجام و بستن ایران با آمریکا و اروپا را هدف قرار داده و بعد به‌نظر من از این منظر اگر با این مسائل مواجه شویم و تحلیل کنیم، درست‌تر است. البته این به‌معنی اشتباه بودن منظر اقتصادی دیگر نیست، اما این منظر معمولا مغفول واقع می‌شود. پول نداریم، خودش یک اسطوره خیلی عجیب است، این اسطوره را که بنزیم و با آن برخورد کنیم، خیلی از مشکلات‌حال من می‌شود. لازمه این برخورد این است که بدانیم پول هست، زیاد هم هست، ولی صرف ساختن یک طبقه سیاسی می‌شود، صرف ساختن طبقه‌ای می‌شود که قرار است با این مهرهای و موقع انتخابات بودجه تبلیغات ما را مهیا کند، قرار است هروقت پروژه کلان ایجاد می‌کنیم پول وسط بیاورد، قرار است سرویس‌های شخصی برای افرادی ایجاد کند و…»

ساخته شده ولی پس از یک دهه شبکه پاپس دست تکمیل نشده و این بی‌آبی تحمیلی باعث مهاجرت مردم به حاشیه شهر چابهار شده است. در علت این خشکسالی‌های تحمیلی نکته درآوردن فساد برخی مسئولان ارشد ومرتبط است مانندفساد رئیس سابق آب‌وفاضلاب روستایی استان که پنجم اردیبهشت۹۹ دستگیر شد. همچنین فساد زمین خواری از علل دیگر استمرار حاشیه‌نشینی در چابهار است. امام‌جمعه چابهار زمین خواری را دلیل حاشیه‌نشینی در چابهار می‌داند و می‌گوید: «در ۳۰سال اخیر، تاکنون بارها حاشیه‌نشینان چابهار ساماندهی شدند ولی باز در نطفه‌ای دیگر از شهر سر برآوردند.» سیدمحمد موسوی با اشاره به این موضوع که حاشیه‌نشینی در چابهار با سایر جاهای کشور متفاوت و بیشتر زمین خواری است، می‌افزاید: «زمین‌خواران افراد فقیر و فاقد شناسنامه را اجبر می‌کنند و از آنان می‌خواهند زمین‌های موردنظر آنها زندگی کنند.» عین‌الدین سعیدی، رئیس شورای اسلامی شهرستان چابهار می‌گوید: «روستاشینان چابهار ودشتیاری که بخشی از آنهاهم در مناطق مرزی ایران وپاکستان سکونت دارند، با بسته شدن مرز ریزمدان وهمچنین از دست رفتن زمین‌ها و دام‌هایشان در خشکسالی ۲۰ساله بلوچستان، به‌خاطر جذابیت‌های اقتصادی کاذبی که به‌واسطه منطقه آزادبرخی شرکت‌هاونهادها در چابهار ایجادشده؛نه‌تنهااز روستاهای چابهار بلکه از کل روستاهای بلوچستان به امید یافتن کار و زندگی بهتر به چابهار مهاجرت می‌کنند.» روستاشینان به دلیل نداشتن تمکن مالی با رشد سرطان گوانه‌ای در مناطق حاشیه شهر سکونت اختیاری می‌کنند و موجب رشد سریع حاشیه‌نشینی در چابهار می‌شوند؛ بزرگ‌ترین منطقه حاشیه‌نشین چابهار که به کمب معروف است سال ۸۵، حدود پنج هزار نفر جمعیت داشته و امسال این جمعیت به ۲۲ هزار نفر رسیده است؛ این خود نمایانگر رشد سریع جمعیت حاشیه‌نشین در چابهار است. حقانی، شهردار چابهار نیز در تبیین علل کیفیت زندگی اسفبار حاشیه‌نشینان می‌گوید: «مشکلی که ما در ساماندهی حاشیه‌نشینی داریم، اراضی این مناطق است که همگی متعلق به سازمان ملی زمین وسمنک است. شهرداری چابهار اعلام کرده، اگر زمین‌ها به شهرداری واگذار شود، شهرداری با توجه به‌ردیف‌هایی که به‌ساماندهی حاشیه‌نشینی اختصاص یافته_که شامل ۳۰درصد اعتبارات استانی ونهادهای درگیر در ستاد بازآفرینی است_همچنین پیگیری و عزم مستمر، ساماندهی را سرعت می‌دهد اما متأسفانه عزم و اراده لازم برای ساماندهی حاشیه‌نشینان وجود ندارد.» شهردار چابهار گفت: «برای ساماندهی شهر چابهار پیش‌تر درخواست کردیم که از محل اعتبارات توسعه سواحل مکران، اعتباری به شهر چابهار تخصیص یابد که فعلاپاسخی دریافت‌نکرده‌ایم،حال این اطمینان وجود دارد که بدون توسعه شهر چابهار و ارتقای شاخص‌های زندگی در آن، استقرار صنایع و توسعه سواحل مکران با معضل جدی روبه‌رو می‌شود. برخی اقدامات توسعه‌ای نظیر راه‌آهن، صدور مجوز ساخت فرودگاه، مرز رسمی ریزمدان و طرح‌های بزرگ و کوچک در زمینه آبرسانی، ساخت بیمارستان ۵۴۰تختخوابی درحال انجام است وطرح‌هایی چون اقدام ملی مسکن وعده‌هایان حاشیه‌نشینی از سوی وزیر راه‌وسمنک تا پایان سال آینده مجموعه‌ای از وعده‌هایی است که مسئولان برای حل مشکل حاشیه‌نشینی در چابهار داده‌اند که به‌ویژه وعده وزیر پیش از اندازه خوشبینانه به‌نظر می‌رسد واماد می‌که پارادایم توسعه مناطق محروم از مدل سرمایه‌بر ومتمرکز به‌مدل‌های مشارکتی وتعاملی ومبتنی بر کسب‌وکارهای مردمی تعافونی وخرود توسعه زیرساخت‌های آموزشی وپیدااشتی درمانی بدل نشود، محرومیت‌زدایی وحاشیه‌زدایی گسترده‌ای را شاهد خواهیم بود.»


در جنگولک چابهار چه خبر است؟

سوخته آتش حاشیه‌نشینی در کنار دریا

ایرانشر با مجموع جمعیت حدود سه میلیون نفر، یک میلیون و ۸۲ نفر حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند و طبق همین آمار رتبه نخست حاشیه‌نشینی نسبت به جمعیت در کشور متعلق به‌شهر بندری چابهار است. علل ایجاد و رشد حاشیه‌نشینی در این استان نمودی از شبکه‌ای از سوءمدیریت‌ها همراه با سیاست‌های فقرزا و نابرابرساز نولیبرالی سرمایه‌سالار بوده است که از سال ۶۸ تاکنون در قالب بسته اقتصادی تعدیل ساختاری در کشور و مناطق محروم اجرا شده است. در ادامه برخی علل انسانی ناشی از اهمال، سوءمدیریت‌ها وحتی فسادهای منتج به رشد حاشیه‌نشینی در منطقه را مرور می‌کنیم. به گفته برخی مسئولان محلی دولت به‌مدت دو دهه یعنی تا سال ۹۳ بدون تحقیق میدانی با خارجی پنداشتن مردم حاشیه‌نشین چابهار صورت‌ساله را پاک کرده بودند ولی در سال ۹۳ با ورود فرماندار وقت کاشف به‌عمل آمد که ۹۶درصد مردم حاشیه‌چابهار ایرانی ومهاجر روستایی هستند. سعیدی عضو شورای شهر چابهار از رویکرد دستگاه‌های دولتی به این ماجرا می‌گوید: «تا سال ۹۳ رویکرد دستگاه‌های دولتی و خدماتی این بود که دلیلی برای ورود به بحث حاشیه‌نشینی نداریم؛ه می‌فکندند این مردم ایرانی نیستند، پس ضرورتی برای خدمات‌رسانی به آنها وجود ندارد! اما سال ۹۳ موهبتی، فرماندار سابق چابهار به این بحث ورود کرد ومتوجه شد که اتفاقا بیش از ۹۶درصد از این جماعت ایرانی هستند. اما از بد حادثه در این قسمت زمین‌خوارهایی هم وجود داشتند که از فلاکت بعضی افراد سوءاستفاده می‌کردند.» به گفته سعیدی بیشتر از ۹۰درصد حاشیه‌نشین‌ها به‌دلیل خشکسالی، بیکاری و از بین رفتن دام‌هایشان به شهر آمدند. برخی مسئولان، منطقه آزاد و جذابیت‌های کاذب اقتصادی و وعده‌های توسعه و ترقی منطقه و فساد رانت‌خواران را عامل رشد حاشیه‌نشینی می‌دانند. عبدالواحد بزرگ‌زاده، امام‌جمعه موقت اهل سنت چابهار می‌گوید: «برخی مسئولان به‌جای عمل کردن به وظایف تنها